



## پرستشگاه آرتاز

### قره کلیسا

قره کلیسا که در یازدهم بهمن ماه ۱۳۳۲، شماره ۴۰۵ جزو آثار تاریخی و باستانی ایران به ثبت رسیده در ناحیه سیاه چشمه، ازدهستان چالدران، درهفت کیلومتری شمال راه سیاه چشمه قره ضیاءالدین و در شصت کیلومتری شاهراه تبریز بازرگان و بیست کیلومتری جنوب ماکو، بخط مستقیم، قرار دارد.

این ناحیه که در تاریخ آرامنه بنام «آرتاز» میباشد، جزئی از اشرونة قدیم و پایتخت آن شهر ادسا بوده که «اودفا» و «الرها» نیز نام گرفته است.

همه ساله هم میهنان ارمنی در روز ۱۱ ژوئیه برابر ۲۰ تیرماه، که مصادف با روز شهادت تاتاوس حواری، بفرمان سافادروک است، در محل قره کلیسا که مدفن اوست گرد می آیند و آئین نیایش خاص برگزار می نمایند. شکوه این مراسم، سال بسال بیشتر میشود و در سالهای اخیر، حتی گروه بسیاری از ارمنیان خارج ایران و مسیحیان دیگر کشورها نیز برای شرکت در آن به ایران آمده اند.

در سال جاری نیز روز تاتاوس با بهم پیوستن بیش از ده هزار تن برگزار شد. برای آشنائی

• آقای چراغلی اعظمی سنگسری از پژوهشگران و سکه شناسان بنام معاصر.

۱-Edessa

به پیشینه این آئین، باید تاریخ ارمنستان را از آغاز تا رسمی شدن مذهب مسیح در آنجا باخصار مرور نمائیم (۱)

از داستانهای اساطیری ایران چنین بر میآید که یکی از فرزندان کیقباد شهربارایران، پادشاه ارمنستان بوده است. فردوسی در شاهنامه، درباره آمدن کیقباد به استخر و فرزندان وی چنین آورده است:

وز آنجا سوی پارس لشکر کشید	که در پارس بد گنجها را کلید
نشستگه آنکه باستخر بود	کیانرا بدان جایگه فخر بود
بدینگونه صدسال شادان بزیست	نگر تا چنین در جهان شاه نیست
پسر بد مراورا خردمند چار	که بودند ازودر جهان یسارگار
نخستین چه کاووس با آفرین	که آرش دوم بد، سوم کی پیشین
چهارم کی آرمین کجا بود نام	سپردند گیتی به آرام و کام (۲)

«کی» بمعنی پادشاه است و «آرمین» بمعنی ارمنستان و مجموع این دو کلمه لقب شهزادگان ایرانی است که در آن مرزوبوم فرمانروائی داشتند. در فصل ۳۱ بندهش قمره ۲۵ آمده است: «ازکواد، کی اپیوه بوجود آمد، کی آرش و کی دیارش و کی پیسان و کی کاوس از، کی اپیوه بوجود آمدند» - از اینجا پیدا است که در کتب دینی ایران باستان، اینان را نوگان کی قباد میدانستند، نه فرزندان او. دو نام «کی آرش» و «کی کاوس» عینا در شاهنامه آمده است و «کی پیسان» همان «کی پیشین» شاهنامه میباشد. بدینگونه روشن میشود که «کی دیارش» نام اصلی فرزند بانوه کیقباد است که فرمانروائی ارمنستان را داشته و بدینروی «کی آرمین» یعنی «ارمنشاه» خوانده میشده است (۳) در کتاب تورات، از ساکنان اولیه ارمنستان که با سکنه شمال بین النهرین هم نژاد و از تیره «هومیان»<sup>۱</sup> بودند بنام قوم «آدادات» همانند «اورارتو» در نوشته های میخی آشوریان یاد شده است. اورارتوها، از سده نهم پیش از میلاد، دولتی را در حوالی دریاچه وان، بنیاد نهادند که یکسوی آن خاور، جای تلاقی دو شاخه علیای فرات، شامل دریاچه وان، و سوی دیگر به رود ارس میرسید. در سده های نخستین هزاره یکم پیش از میلاد که خاندانهای آریائی آغاز مهاجرت کردند، پیش از ورود به ایران، چندی در سرزمین اورارتو مسکن گرفتند. در اواخر قرن نهم به نامهای ایرانی در سپاه پادشاهان اورارتو، برخورد میکنیم و ایرانیان پس از راه یافتن به درون ایران در سده هشتم، در شمال همچنان با اورارتوها همسایه بودند. اورارتوها با آشوریان هم مرز بودند و با آنان دشمنی داشتند و در جنگها گاهی بر آشور چیره میشدند.

در سده هفتم پیش از میلاد بود که ارمنه که دارای نژاد و زبان هند و اروپائی بودند باین سرزمین روی نمودند و بر آن استیلا یافتند و با مادها که هم نژادشان بودند و از ۷۰۸ تا ۵۵۰ پیش از میلاد بر ایران فرمان میراندند در برانداختن دولت آشور همداستان گردیدند. سرانجام در حدود سال ۶۱۲ پیش از میلاد میاگز ۱ پادشاه ماد که پایتختش شهر اکباتان بود، پس از شکست آشور و گشودن نیوا، اورارتو، را نیز ضمیمه کشور ماد کرد. مادها بودند که برای اولین بار سرزمین اورارتو را آزمینه ۲ نامیدند (۴).

آرمنیه در فاصله بین سالهای ۵۵۰ تا ۵۴۶ پیش از میلاد، با شکست آستیاژ و «کروزوس» و انقراض دو دولت ماد و لیدی، بدست کورش بزرگ (۵۳۰ - ۵۵۹ پیش از میلاد)، جزء امپراطوری هخامنشی شد و از زمان دادیوش کبیر (۴۸۶ - ۵۲۱ پیش از میلاد)، با وجود دوره کوتاهی از شورش، یکی از ساتراپیهای ایران بود و شهزادگان ایران بر آن فرمان میراندند که در زمان اسکندر و جانشینانش همچنان نیمه مستقل باقی ماندند تا در سال ۱۹۰ پیش از میلاد که با شکست فرمانروای شام، انتیوکوس بزرگ بدست رومیان، زاره ۳ و ارتگزاس ۴ (۱۵۰ - ۱۵۹ پیش از میلاد) پادشاهان ارمنستان که با «فریه پیر» ۵ (۱۷۶ - ۱۹۶ پیش از میلاد) اشک جهادم و مهرداد یکم (۱۳۸ - ۱۷۱ پیش از میلاد) اشک ششم، پادشاهان اشکانی معاصر بودند، با موافقت دولت روم، اعلام استقلال کردند (۵).

اشک نهم مهرداد دوم شاهنشاه بزرگ اشکانی (۸۷ - ۱۲۴ پیش از میلاد) به ارمنستان لشکر کشید و «آرتاوازد دوم» ۶ (۹۴ - ۱۲۳ پیش از میلاد) پادشاه آنجا را به دادن باج و گروگان و ادار ساخت. پس از آرتاوازد پسرش نکران که در کودکی بعنوان گروگان به دربار ایران آورده شده بود و بعدها بلقب «بزرگ» ملقب شد، به کمک مهرداد، بر تخت ارمنستان جلوس کرد (۵۴ - ۹۴ پیش از میلاد) (۶).

از شاهنشاهان اشکانی ایران، اشک دهم (سپاتروک یا سانادروک یا سندروک یا استروس) نام داشته و بدین جهت ارمنه پنداشته اند که وی معاصر تا تاوس حواری بوده و پیش از رسیدن به سلطنت فرمان بقتل اوداده است. اما چون تاریخ شهر یاری او از ۷۷ تا ۷۰ پیش از میلاد بوده نمیتوان این داستان را تا آنجا که مربوط به او میشود درست دانست. داستان چنین است:

تادی مقدس که همان «لبائوس» ۷ مسمی یا ملقب به تااوس (طاطاوس) ۸ و حواری حضرت عیسی است و از او در انجیل متی، باب دهم، آیه سوم و انجیل مرقس، باب سیم، آیه هجدهم، بعنوان یکی از تن شاگردان مسیح یاد شده است، در حدود سالهای ۴۰ - ۳۳ میلادی بدعوت «آبگارشاه» پادشاه اشکانی ارمنستان که در شهر «ادس» در آسیای صغیر حکومت میکرد، به

۱- Cyaxvs	۲- Armenia	۳- Zariadres	۴- Artaxias
۵- Priapatrus	۶- Artavazd II	۷- Lebbaeus	۸- Thaddaeus

ارمنستان آمده و دعوت به مسیحیت نمود. شاهزاده سانادروک که بعداً پادشاه ارمنستان شد و دخترش «ساندوخت» بدین مسیح گرویدند. اما پس از گذشت مدت کوتاهی سانادروک پشیمان شد و با عقاد پیشین بازگشت، کوشش او برای بازگرداندن دخترش از آئین مسیح بی نتیجه ماند، بناچار سانادروک فرمان به قتل هردو داد و آندو در سال ۴۸ میلادی، یعنی پس از ۱۸ سال از تاریخ مصلوب شدن مسیح، در ناحیه آرتاز که دهستان چالدران فعلی است بشهادت رسیدند، تاتاوس در محل کنونی قره کلیسا که بروایتی در آن روزگاران معبد مهر بود در جایی که محراب سمت راست کلیسا بنا شده است و ساندوخت در جانی فراتر در جوار آن، بر فراز تپه‌ای به خاک سپرده شدند. »

حال بینیم این روایت تا چه حد با تاریخ مطابقت دارد :

بطوریکه ذکر شد، اشک دهم سناتروک نام داشته، اما چون دوران سلطنت او از ۷۷ تا ۷۰ پیش از میلاد بوده است نمیتوان او را معاصر تاتاوس دانست. فرزند مهرداد چهارم اشکانی که در فاصله بین ۱۰۷ تا ۱۱۳ میلادی مدعی سلطنت ایران و همزمان و معارض خسرو اشک بیست و چهارم (۱۳۰-۱۰۶ میلادی) بوده، اما در جنگ بارومیان، در لشکرکشی تراژان (۱۱۷-۹۸ میلادی) که از سال ۱۱۳ میلادی آغاز شده، با خسرو همکاری میکرده است، نیز سناتروک نام داشته است. بطوریکه پیداست این شاهزاده اشکانی نیز نمیتواند معاصر تاتاوس باشد (۷). از طرفی با مراجعه به اسناد تاریخی معتبر معلوم میشود که از سال هشتم تا حدود سالهای هفتم میلادی، هیچیک از پادشاهانی که بر ارمنستان حکمرانی داشتند و تقریباً همگی از دودمان اشکانی بودند، آبنگار یا سناتروک نامیده نمیشدند.

اینک نام پادشاهان ارمنستان در آن سالها :

### نقل از دهورگان

آرتاوازیترجم ۲ تا ۱۱ میلادی  
 ارد ۱۴ تا ۱۵ میلادی  
 ونونس ۱۶ تا ۱۷ میلادی  
 آرشاک یکم ۱۸ تا ۳۴ میلادی  
 مهرداد ۳۵ تا ۳۷ میلادی و ۴۷ تا ۵۱ میلادی  
 رادمسترس ۵۱ تا ۵۳ میلادی

### نقل از جلد سوم ایران نامه

ونونس  
 ارد اشکانی  
 زینواردشه

آرشاك دوم  
ارد اشكاني  
مهرداد قفقازی  
رادمسترس قفقازی

تیرداد اشكاني «برادر بلاش اول شاهنشاه اشكاني ۵۱-۷۷ میلادی» (۸) .  
اگر هم «آبگار» راشكل ارمني «پاكور» بدانيم و بگوئيم پاكور شهزاده اشكاني كديدا  
بمنوان اشك بيست وسوم شهريار ايران شده است، مدتي برارمنستان فرمان ميرانده است، اينهم  
نميتواند درست باشد چه كه پاكور درسنه ۵۷ میلادی تولد يافته و در بيست سالگي در تاريخ ۷۷  
میلادی بسلطنت رسیده است و تا سال ۱۱۰ میلادی پادشاه ايران بوده و اين تاريخها با روايت يا  
داستان مذکور مغايرت دارد (۹).

اما در تاريخ شاهشاهان اشكاني، چندين بار بانام هاي «آبگار» و «آبگاروس» و «آبگار»  
برميخوريم كه در همه جا از آنها بمنوان فرمانروايان «اشرونه»<sup>۱</sup> ياد شده و پايتخت آنها بطور يكه  
گذشت شهر ادسا، در شمال غربی بين النهرين، بوده است. اينك آن موارد :

۱- مورخين رومي نوشته اند مستشار كراسوس در سال ۵۳ پيش از ميلاد در لشكر كشي  
به ايران، در زمان اشك سيزدهم ارد اول شاهنشاه ايران (۳۷-۵۵ پيش از ميلاد)، شخصي بنام  
«آريامنش»<sup>۲</sup> ملقب به «آبگاروس» بود كه بر اشرونه فرمانروايي داشت و به اشاره او كراسوس  
راهي چهار روزه در صحرا رادر پيش گرفت كه در آن آب و خواربار باساني بدست نميآمد.  
آبگاروس به كراسوس گفته بود كه پادشاه ايران، از ترس روم، باندرون كشور در حال گريز است.  
اين گفته جسارت روميان را سبب شد و براي رسيدن به تيسفون راه بيابان را كه بمقصود نزديكتر  
بود در پيش گرفتند. سردار جوان و نامور ايران «مونوسس»<sup>۳</sup> كه مشهور به لقب خانوادگي خود  
«سورن» است و پيوسته يكهزار سوار سنگين اسلحه (با كمان و نيزه) و يكهزار سوار سبك اسلحه  
(كمانداران) در ركاب داشت، با سپاه خود به مقابله شتافت. نتيجه جنگ شكست روميان و كشته  
شدن كراسوس و پسرش پوبليوس كراسوس بود. اين آبگاروس پسر آبگار اول است و آبگار  
(يا آبگاروس) دوم ميباشد. فرمانروائي او از ۶۸ تا ۵۳ پيش از ميلاد بوده و در سالهاي ۵۵ و ۵۴  
و ۵۳ پيش از ميلاد با ارد شاهنشاه اشكاني معاصر بوده است (۱۰).

۲- در زمان گودرز اشك بيستم (۵۱ - ۴۰ ميلادی) «آبگار» پادشاه اشرونه كه ظاهراً  
تحت نفوذ روم بود، با مدعي تاج و تخت ايران، يعني مهرداد فرزند فرهاد چهارم (۲ - ۳۷  
پيش از ميلاد) كه در روم مزيست و آهنگ جنگ با گودرز را داشت، همراه شد. اما بجاي اينكه  
مهرداد را بسوي پايتخت رهنمون شود او را بر زمين خود آورد و روزي چند در ادسامهمن كرد.

۱- Oshroene

۲- Ariamanes

۳- Moneses

بعد در موقع جنگ نیز از سپاه مهرداد جدا شد و مهرداد از گودرز شکست یافت و گرفتار آمد فرمانروائی این آنگار بر اشرونه، بعنوان آنگار پنجم، دو بار یعنی از ۴ پیش از میلاد تا ۷ میلادی و از ۱۳ تا ۵۰ میلادی بوده است. بنابراین واقعه جنگ بین گودرز و مهرداد باید بین سالهای ۴۰ و ۵۰ میلادی واقع شده باشد (۱۱).

۳ - پاکوردوم، اشک بیست و سوم (۱۱۰ - ۷۷ میلادی) از آغاز شهر یاری به آراستن تیسفون پایتخت خود همت گماشت و چون پول در خزینه شاهی نماند از آنگار فرمانده اشرونه، مبلغی نقد گرفت یا بقولی ولایت اشرونه را با و فروخت. این آنگار یا آنگار، ششمین آنگار است که از ۷۱ تا ۹۱ میلادی بر اشرونه فرمانروایی داشته و استقراض پاکورد از او در صورت صحت باید بین ۷۷ تا ۹۱ میلادی وقوع یافته باشد (۱۲).

۴ - در زمان خسرو اشک بیست و چهارم (۱۳۰ - ۱۰۶ میلادی) تراجان (۱۱۷ - ۹۸ میلادی) به ایران لشکر کشید، وقتی که از قفقاز بسوی بین النهرین پیش می‌رفت، بر اشرونه مستولی شد. پادشاه آنجا که آنگار روس نامیده میشد او را اطاعت کرد. آنگار معاصر خسرو، آنگار هفتم است و سالهای فرمانروائی او بین ۱۰۹ تا ۱۱۶ میلادی است (۱۳).

۵ - در زمان بلاش چهارم یا اشک بیست و هفتم (۲۰۷ - ۱۹۱ میلادی) «سپتیموس لوروس»<sup>۱</sup> قیصر روم (۲۱۱ - ۱۹۳ میلادی) بسال ۱۹۷ به خاور روی آورد. آنگار روس فرمانده اشرونه تسلیم او شد و خود بشکرگاه روم آمد و فرزندان خویش را برسم گروگان با و سپرد این شخص نهمین آنگار است که از ۱۷۹ تا ۲۱۴ بر اشرونه فرمانروائی میکرده است (۱۴).

۶ - در زمان اردوان پنجم اشک بیست و نهم، آخرین شاهنشاه اشکانی (۲۲۷ - ۲۱۳ میلادی)، کاراکالا قیصر روم (۲۱۶ - ۲۱۱ میلادی) به سال ۲۱۳ آنگار روس فرمانده اشرونه را بروم خواست و او بدون اینکه گمان بد برد بمیل و رغبت بروم رفت و روانه زندان شد و اشرونه ضمیمه روم گردید چون دعوت آنگار روس به روم در سال ۲۱۳ میلادی بوده است، او همان آنگار روس نهم است که معاصر بلاش چهارم نیز بوده است (۱۵).

با ملاحظه شواهد تاریخی فوق این نتایج بدست می‌آید.

۱ - آن آنگار که تائوس خواری را برای تبلیغ آئین مسیح به کشور خویش خواند بطوریکه از خود روایت پیدا است، پادشاه ارمنستان نیست بلکه فرمانروای اشرونه و مقر حکومتش شهر ادسا در نزدیکی نصیبین بوده است.

۲ - گروهی (ده تن) از بیست و نه تن فرمانروایان اشرونه، که از ۹۴ پیش از میلاد تا ۲۴۲ میلادی بر آن سرزمین حکومت داشتند آنگار یا آنگار روس خوانده میشدند و چون نام اصلی آنگار روس دوم (۵۳ - ۶۸ پیش از میلاد) معاصر ارد شاهنشاه توانای اشکانی، «آریامنش» بوده،

باین نتیجه می‌رسیم که همچنانکه پادشاهان اشکانی همگی «اشک» نامیده می‌شدند، بسیاری از فرمانروایان اشرونیه ملقب به «آبگار» یا «آبگاروس» بوده‌اند.

۳- آبگاروس مذکور در داستان تاناوس، آبگار پنجم و همانست که معاصر گودرز شهریار اشکانی بوده و به مهرداد فرزند فرهاد چهارم در مقابله با گودرز یاری کرده است. وی با چند تن از شاهنشاهان اشکانی معاصر بوده است.

۴- سانادروک پدر ساندوخت، بعد از آبگاروس پنجم از ۵۰ تا ۷۰ میلادی بر اشرونیه (نه ارمنستان) بنام «ماآنوی»<sup>۱</sup> پنجم فرمانروائی داشته اما شهادت تاناوس حواری و ساندوخت در حوالی سال ۴۸ با مراد و در زمان فرمانروائی پدرش، آبگاروس پنجم واقع شده است.

۵- اشرونیه در مرز ایران و روم و حکام آن از نژاد ودومان اشکانی بوده‌اند. اما چون این ناحیه در همسایگی ارمنستان بوده فرمانروایان آنرا اشتباهاً شاهان ارمنستان دانسته‌اند.

۶- در این ناحیه نیز گروه زیادی از ارمینیان سکونت داشته‌اند. حال بی‌مناسبت نیست بدانیم دین رسمی ارمنستان و ارمینیان، پیش از رواج آئین مسیح در آن مرز و بوم، چه بوده است؟

باشندگان ارمنستان، مانند ایرانیان، مهر و ماه و ناهید و بهرام و همچنین سایر فرشتگان مزدیسنا را می‌پرستیدند. آب راعنصری مقدس میدانستند و از آلودن آن پرهیز داشتند و زردشتیانی پارسا و متعصب بودند (۱۶). شاهزادگان اشکانی نیز که بر آنها فرمانروائی میکردند در این اعتقادات با آنها همراه بودند. در تاریخ مذکور است که تیرداد پادشاه ارمنستان که از او در این مقاله قبلاً یاد شده و برادر بلاش اول شاهنشاه اشکانی بود، در سال ۶۶ میلادی که آهنگ روم نمود تا «نرو»<sup>۲</sup> امپراطور روم (۵۴-۶۸ میلادی) تاج ارمنستان را بدست خود بر سر او گذارد، برای اینکه در این سفر، در یاراپلیدی نیالاید، راه خشکی را در پیش گرفت و از آن طریق بی‌روم رسید (۱۷). کارپوسنش ناهید در ارمنستان بحدی بالا گرفته بود که سرچشمه‌های فورات را «اناتیتیس» نامیدند و معبد ناهید در آن نواحی شهرت تمام داشت. کوروش کبیر، پس از شکست «اسکیت‌ها» بیاد بود این پیروزی جشنی در معبد ناهید در محل فعلی «زلا»<sup>۳</sup> در ارمنستان برپا نمود که همه ساله آئین آن در همه معابد ناهید در آن دیار برگزار میشد و این وضع همچنان ادامه داشت (۱۸).

در سال ۲۲۷ میلادی، با کشته شدن اردوان پنجم آخرین پادشاه اشکانی، بدست اردشیر اول شاهنشاه ساسانی (۲۲۴-۲۲۱ میلادی)، بزرگان اشکانی، از ترس جان، بکشورهای همسایه بخصوص هندوستان و همچنین ارمنستان که خویشاوندانشان در آنجا سلطنت داشتند، پراکنده شدند. پسر اردوان، ارتاوازد (۲۲۸-۲۲۷ میلادی) که مدعی شاهنشاهی ایران بود، با کمک خسرو پادشاه ارمنستان که اشکانی بود، بایران لشکر کشید و در جنگی نیز بر اردشیر فائق آمد اما این پیروزی چنان نبود که بتواند در برابر اردشیر پایداری نماید. این بود که پس از چند عرصه

۱- Ma'anou

۲- Nero

۳- Zela

را خالی گذاشت و ناپدید گردید و حکومت اشکانیان در ایران برچیده شد (۱۹).

الکساندر بوریس قيصر روم (۲۳۵-۲۳۳ میلادی) در سال ۲۳۲، بتحریر خسرو و همراه با او، از سد سوی به ایران لشکر کشید. دسته دوم به همراه پادشاه ارمن به آذربایجان روی آوردند و در چند زد و خورد کوچک پیروز شدند. اردشیر خود را به آنجا رسانید و آنها را از مرزهای ایران بیرون راند. در دو جبهه دیگر نیز، رومیان شکسته شده ناکام بازگشتند. خسرو از پای نشست و با کمک گروهی از بزرگان اشکانی و هواخواهان آنها باز بجنگ اردشیر آمد و دگر باره شکست یافت.

در سال ۲۴۰ میلادی مردی «اناک» نام که اشکانی بود، بدستور اردشیر، بچهره مهاجر فراری، به ارمنستان رفت و مورد توجه خسرو گردید. دیری نپایید که در خلوت خسرو را کشت و خود نیز در این گیر و دار کشته شد و بدینگونه ارمنستان ضمیمه شاهنشاهی ساسانی گردید. بزرگان ارمنستان تیرداد، پسر خسرو را، که شیرخوار بود نامزد شاهی ارمنستان کردند و برای او ازدولت روم یاری خواستند. اما رومیان شهادت مقابله مجدد با اردشیر را از دست داده بودند.

در همین سال بود که شاهنشاهی ایران به شاهپور اول (۲۷۲-۲۴۰ میلادی) تفویض شد و چون ارمنستان علم سرکشی برافراشته بود، شاهپور برای قلع و قمع وریشه کن کردن مخالفان بویژه اشکانیان که هنوز پایگاهی در ارمنستان داشتند، بدانجا روی آورد. یکی از بزرگان ارمن بنام «آرتاوازد» فرزند خرد سال خسرو یعنی تیرداد را رهانیده با خود به روم برد. در همین سال گریگور مقدس که بعدها با لقب «روشنگر» دادند و خود از خاندان سپهسالاران اشکانی یعنی «سودن» بود تولد یافت چون افراد خانواده اش محکوم به مرگ بودند معلوم بود او نیز نمیتوانست از قهر شاهپور در امان باشد. دایه اش او را از این خطر رهانیده به قیصریه برد و به یک خانواده مسیحی پناهنده گردید. گریگور در این خانواده پرورش یافت و بتحصول علم و کمال پرداخت و بآئین مسیح گروید (۲۰).

چهل و هفت سال از ماجرای فرار گریگور گذشت. شهریاران ساسانی چون اردشیر و شاهپور یکم، اورمزد و بهرام اول درگذشتند و نوبت سلطنت به بهرام دوم (۲۹۳-۲۷۶ میلادی) رسید. تیرداد فرزند خسرو که هنوز در روم میزیست در سال ۲۸۷ میلادی، با کمک رومیان، آهنگ بازگشت به ارمنستان و باز ستانیدن کشور خود را نمود. آرتا وازد، رهائی دهنده خود را، به سپهسالاری برگزید و در حوالی سال ۲۹۳ که مصادف با مرگ بهرام دوم و درگذشت بهرام سوم پس از چهارماه سلطنت بود، به ارمنستان رسید و ارمنیان او را بگرمی پذیرا شدند. در راه بازگشت، گریگور روشنگر را که از خویشان او و خود نیز متواری بود و اکنون مردی عالم و شایسته شده بود. بعنوان دستور، برگزید و با خود به ارمنستان برد و گرامی داشت. (۲۱) گریگور کیش خود را مخفی میداشت تا اینکه روزی از اعیاد، از دادن قربانی به الهه ناهید، امتناع کرد و راز او



فاش گردید. آنگاه پادشاه را به دین مسیح دعوت کرد، اما نفوذ الهه ناهید چنان بود که تیرداد نمیتوانست به آئین مسیح گردن نهد، و بر آشفته شد و گریگور را گفت: توسنایش پروردگاران بزرگ بویژه این ملکه بزرگ آناهید را که مایه شکوه و نجات ملت ما است و همه پادشاهان او را میستایند روا نمیداری؟... آناهید مادر خرد و دانش است، خیرخواه نوع بشر و از نسل آرامزد بزرگ و تواناست... آنانکه پروردگار حقیقی هستند تو دشمن میداری، آناهید بزرگ را که از پرتو او ارمنستان زنده است، آرامزد بزرگ و توانا را که آفریننده آسمان و زمین است...» (۲۲)

گریگور همچنان در دعوت خود استوار بود و تیرداد خشمگین تر میشد و سرانجام او را در چاه‌های زندانی کرد. همچنان در فرامین خود از اهودا مزدا و الهه ناهید یاد میکرد. مثلاً در فرمانی چنین میگوید: «ثروت فراوان از طرف آرامزد توانا و یاری ملکه آناهید بر شما و سراسر ارمنستان باد.»

گریگور چهارده سال در زندان بماند. در سال ۳۰۷ میلادی بود که تیرداد از کرده پشیمان شد و او را از بند آزاد کرد. هم خود بآئین مسیح گروید و هم راه تبلیغ آنرا در ارمنستان هموار ساخت. معابد ناهید و آتشکده‌ها را منهدم و مسیحیت را جایگزین آئین زردشت نمود. کلیساها بنیاد نهاد و در سال ۳۱۴ میلادی درگذشت، در حالیکه نخستین شاهی بود که آئین مسیح را پذیرفته بود و نخستین دولت عیسوی را نیز بجای گذاشته بود. (۲۳)

جانشینان گریگور روشنگر دعوت او را پی‌گیری کردند و تا با امروز رشته ارشاد پدران مسیحی پاریاچ<sup>۱</sup> که بجای او بر مسند کلیسای گریگوری نشسته‌اند گسسته نشده است. (۲۴)

اما هنوز با گذشت قرون و اعصار، نفوذ آئین پیشینان و کیش پیامبر ایرانی زردشت در میان ارمنه باقی است و بسیاری از زنان ارمنی هنوز «آناهید» یا «آناهیت» و «ساندوخت» نامیده میشوند و مردانشان نامهای زیبای هخامنشی و اشکانی و ساسانی همچون هامازاسپ - تیگران آرشاک - ارداشس - آرتاوازد - آرتاباز - آرتسابان - سروژ - واردان - واهرام - آرام - آرشام - را بما یادآور میگردند. (۲۵)

مهرماه ۱۳۵۲

### مآخذ

- ۱- شاهنامه فردوسی - چاپ مؤسسه امیر کبیر
- ۲- کتاب عهد قدیم و جدید - تورات و انجیل
- ۳- جلد یکم و دوم یشتها - استاد بزرگ و فقیه ابراهیم پورداود
- ۴- جلد سوم ایران‌نامه - عباس پورمحمدلی شوشتری (مهرین)

- ۵- کارنامه ایرانیان - عباس پورمحمدعلی شوشتري (مهرين)
- ۶- ميراث ايران - سيزده تن خاورشناس
- ۷- شماره‌های يكم و دوم مجله هور
- ۸- *National Encyclopedia* آمريكا
- ۹- *Manvel De Numismatiqn Orientale J. De Morgan*
- ۱۰- *Decline And Foll Of The Roman Empire Gibbon*
- Abidgement by D. M. Gow*
- ۱۱- اشكائيان - م. م. دياكونف - ترجمه كريم كشاورز
- ۱۲- *Gran-R-Ghirshman*
- ۱۳- سرگذشت جندي شاهپور - حسينعلی ممتحن
- ۱۴- نقشه راههای ايران (محل سياه چشمه)
- ۱۵- نقشه امپراطوري پارت و همسايگان (محل اشرونه)
- ۱۶- مقاله نگارنده در شماره ۳ و ۴ مجله هور - تحت عنوان «پيشينه نژاد و تاريخ و كيش ارامنه»
- ۱۷- يادداشتهاي پراكنده نگارنده از منابع ايراني و يوناني

### پي نوشتها

- |                               |                             |
|-------------------------------|-----------------------------|
| ۱۳                            | ۱- ايران نامه جلد سوم       |
| ۱۹۰                           | - دمورگان                   |
| شماره يكم و دوم آغاز انتشار   | - مجله هور                  |
| ۳۶                            | - سرگذشت جندي شاهپور        |
| ۶۱                            | ۲- شاهنامه فردوسي           |
| ۲۲۴                           | ۳- جلد دوم يستها            |
| ۱۱۳-۷۵                        | ۴- گيرشمن                   |
| ذيل <i>Armenia</i> ۳۸۰ تا ۳۸۱ | - دائره المعارف ملي آمريكا  |
| ۳۸۰                           | ۵- دائره المعارف ملي آمريكا |
| سنوات تاريخي                  | - ميراث ايران               |
| ۱۹۰                           | - دمورگان                   |
| ۴۱-۴۰                         | ۶- ايران نامه               |
| ۳۸۱-۳۸۰                       | - دائره المعارف ملي امريكا  |
| ۵۷ و ۵۶                       | - اشكائيان                  |
| ۴۶-۴۲                         | ۷- ايران نامه               |
| ۱۱۱                           | - اشكائيان                  |
| ۵۴۶                           | ۸- ايران نامه               |

۱۰۳-۱۳۱	- ایران نامه
۱۹۰	- دمورگان
۱۳۱-۱۳۲	۹- ایران نامه
۲۳۴	۱۰- دمورگان
۵۴-۶۶	- ایران نامه
۷۶ و ۸۴ تا ۱۷	- اشکانیان
۱۱۵	۱۱- ایران نامه
۲۳۴	- دمورگان
۱۳۱	۱۲- ایران نامه
۲۳۴	- دمورگان
۲۳۴	۱۳- دمورگان
۱۳۵	- ایران نامه
۲۳۴	۱۴- دمورگان
۱۴۵	- ایران نامه
۲۳۴	۱۵- دمورگان
۱۴۸	- ایران نامه

- درحوالی شهرادسا بود که شاهپور اول شاهنشاه ساسانی (۲۷۱-۲۴۰ میلادی) بر والاریانوس قبصر روم (۲۶۰-۲۵۳ میلادی) فاتح آمده و او را اسیر کرد (گیسبون ۱۰۳ و ۹۰۵)

۱۷۴	۱۶- جلد اول یشتها
۱۶۱	۱۷- جلد اول یشتها
۱۰۸	- اشکانیان
۱۷۴ و ۱۷۵	۱۸- جلد اول یشتها
۴۹	۱۹- کارنامه ایرانیان
۵۰-۵۶	۲۰- کارنامه ایرانیان
۱۰۲	گیسبون
۴۴	۲۱- شماره اول مجله هور
۱۷۶	۲۲- جلد اول یشتها
۷۰	- کارنامه ایرانیان
۱۲۶	- گیسبون
۱۷۶	۲۳- جلد اول یشتها
۳۸۱	۲۴- دائرةالمعارف ملی امریکا
مقاله نگارنده	۲۵- شماره ۳ و ۴ مجله هور